**نام مقاله: خانواده‌هاي كتابشناختي در فهرستهاي رايانه‌اي: نگاه كاربران به خانواده شاهنامه فردوسي از رويكرد الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‌هاي كتابشناختي (FRBR)**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 53 \_ شماره اول، جلد 14**

**پديدآور: دكتر شعله ارسطوپور، دكتر رحمت‏الله فتاحي، دكتر مهري پريرخ**

**چكيده**

**هدف اين پژوهش، بررسي همخواني ميان الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي با فهرستهاي رايانه‏اي كنوني از رويكردي كاربرگراست. در اين راستا، ديدگاه كاربران بالقوة فهرستهاي رايانه‏اي نسبت به موجوديتهاي مختلف الگو و خانواده‏هاي كتابشناختي، بررسي شد. بدين منظور، خانواده كتابشناختيِ شاهنامه فردوسي به منزلة نمونه انتخاب شد و يك مجموعه 40 كارتي در پيوند با اين خانواده‏ در اختيار يك گروه 30 نفري از افراد صاحب نظر و متخصص در حوزه شاهنامه‎پژوهي قرار گرفت. طي نشستهاي صورت گرفته با اين افراد، نگاه و دسته‏بندي كلي آنها نسبت به خانواده كتابشناختي، همخواني ديدگاه آنها با موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي و اولويت‏بندي آنها روي موجوديتهاي مختلف الگو در پيوند با يك نياز خاص، بررسي گرديد. در پيوند با خانواده كتابشناختي شاهنامه، 11 خوشه توسط مصاحبه‎شوندگان شناسايي گرديد. نتايج حاكي از آن است كه با توجه به موجوديتهاي الگو، ودر پيوند با دسته‏بندي اعضاي خانواده كتابشناختي به صورت كلي، رويكرد كاربران بالقوه رويكردي از بالا به پايين است و آنها در مواجهه با اعضاي خانواده كتابشناختي، ابتدا اثر اصلي، سپس بيانها، قالبها و در نهايت مدركها را شناسايي مي‏كنند. اين درحالي است كه در پيوند با يك نياز اطلاعاتي خاص، كاربران رويكردي پايين به بالا داشته و ابتدا مدرك جايگزين، و سپس قالب جايگزين از سوي آنها انتخاب شده و در صورت نبود موارد پيش‏گفته، به بيانها و اثرهاي ديگر مراجعه مي‏كنند. از دستاوردهاي اين پژوهش، ايجاد زمينة لازم جهت پيشنهاد درخت‌واره‏اي براي خانواده كتابشناختي شاهنامه و نيز ارائه الگويي مفهومي در زمينه پياده‏سازي دستاوردهاي اين پژوهش در فهرستهاي رايانه‏اي بوده است.**

**كليدواژه‌‌ها: الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي، خانواده‏هاي كتابشناختي، مطالعه تطبيقي، شاهنامه فردوسي.**

**مقدمه**

با نگاهي به تاريخ تحول فهرستهاي كتابخانه‏اي، مي‏توان چنين برداشت كرد كه اين فهرستها تاكنون به طور كلي دو دورة گذار را تجربه كرده‏اند(Freeman, 1991). دورة اول به منسوخ شدن استفاده از فهرستهاي كتابي و جايگزين‏شدن فهرستهاي برگه‏اي در اوايل قرن بيستم، و گذار دوم به رواج استفاده از فهرستهاي رايانه‏اي به جاي فهرستهاي برگه‏اي از اوايل دهه 1980 باز مي‏گردد. با نگاهي به متون موجود، به نظر مي‏رسد در هر يك از اين دوره‏هاي گذار، فهرستهاي كتابخانه‏اي، برخي از ويژگيهاي خود را قرباني تغيير كرده‏اند. به عنوان نمونه «فتاحي» (Fattahi, 2010) در پيوند با مزاياي فهرستهاي كتابي، به قابليت گردهم‏آوري و دسته‏بندي مؤثرتر آثار مرتبط اشاره مي‏كند كه با رواج فهرستهاي برگه‏اي كم‏رنگ شد. همچنين، در پيوند با گذار از فهرستهاي چاپي، «بيانكيني و گوريني» (Bianchini & Guerrini, 2009) معتقدند يكي از مهم‏ترين ويژگيهاي فهرست كتابخانه‏اي، يعني ساختار ارتباطي ميان آثار مرتبط بسيار محدود شده و حتي در بعضي موارد از ميان رفته است. بنابراين، شايد بتوان گفت در فهرستهاي دستي، ميان دو كاركرد اصلي بازيابي[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ") و گردهم‏آوري[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ") تعادل و توازن برقرار بوده است، درحالي كه در فهرستهاي رايانه‏اي، اگرچه كاركرد بازيابي تقويت شده، كاركرد گردهم‏آوري و در كنارهم قرار گرفتن اعضاي يك خانواده كتابشناختي كمتر مورد توجه بوده است (فتاحي، 1373؛ ارسطوپور، 1387). به بيان بهتر، فهرستهاي رايانه‏اي كنوني در بهترين حالت، كاركرد بازيابي را به خوبي انجام مي‏دهند، اما در رسيدن به هدف گردهم‏آوري و نشان دادن رابطه ميان آثار وابسته، با كاستيهاي بسياري رو به رو هستند (Fattahi, 1997; Lebœuf, 2005). يكي از نتايج منفي اين مشكل، بازيابي‏هاي بسيار زياد و نبود نظم منطقي در نمايش آنها در فهرستهاي كنوني است؛ مشكلي كه بسياري از صاحب‏نظران را بر آن داشت تا در نيمه دوم دهه 1990 در زمينه رفع اين مشكل، تلاش كنند. از آن جمله مي‏توان به «يي» (Yee, 1994; 1995; 1997)،«هگلر» (Hagler, 1997a; 1997b)، «فتاحي» (1375 1996;)، «ولوچي» (Vellucci, 1997) و «كارلايل» (Carlyle, 1996; 1997) اشاره كرد. در سال 1990 طي سميناري در زمينه پيشينه‏هاي كتابشناختي در استكهلم، مسئولان، پيشنهاد تشكيل كارگروهي از واحد فهرست‏نويسي ايفلا براي پژوهش در زمينه كاركردهاي پيشينه‏هاي كتابشناختي را ارائه نمودند. حاصل كار اين گروه، تدوين الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي در سال 1998 بود. اين الگو با مدل‏سازي جهان كتابشناختي در قالب خانواده‏هاي كتابشناختي مختلف، موجوديتهاي عضو اين جهان را در قالب 3 گروه دسته‌بندي مي‌كند. اولين گروه موجوديتها در اين الگو شامل موجوديتهاي اثر، بيان، قالب و مدرك[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ") است؛ موجوديتهايي كه به خود منابع اطلاعاتي و روابط ميان آنها اشاره دارند.

هم‏اكنون، پس از گذشت بيش از يك دهه از تصويب گزارش نهايي الگوي ملزومات كاركردي، كمتر پژوهشي امكان پياده‏سازي اين الگو را از ديدگاه كاربر نهايي بررسي نموده است، درحالي كه به‏ منظور انجام هرگونه اقدام در زمينه پياده‏سازي موفق فهرستهاي رايانه‏اي بر پاية الگوي مذكور، علاوه بر لزوم توجه به ساختار پيشينه‏هاي موجود و بررسي تطبيقي مارك با الگو، توجه به ديدگاه كاربران نهايي نيز اهميت ويژه‏اي دارد. بنابراين، مسئله پژوهش حاضر، مشخص نبودن نگاه كاربران فهرستهاي رايانه‏اي به رابطه ميان آثار وابسته است و اين كه آنها چگونه اعضاي يك خانواده كتابشناختي، مثلاً شاهنامه، را دسته‏بندي مي‏كنند. با آگاهي از ديدگاه كاربران، مي‏توان به بازنگري در ساختار پيشينه‏هاي كتابشناختي و نيز بهسازي طراحي ساختار فهرستهاي رايانه‏اي كمك كرد. براين اساس، پژوهش حاضر در پي واكاوي ديدگاه‌هاي كاربران بالقوة فهرستهاي رايانه‏اي در پيوند با الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي است. در چنين مسيري، مسلماً آگاهي از ديدگاه آنها در زمينه اولويت‏بندي موجوديتهاي كتابشناختي (به‏عنوان اعضاي خانواده كتابشناختي فارسي) و نيز مناسب‏ترين روش دسته‏بندي و تعريف روابط ميان اين اعضا، مد نظر قرار خواهد گرفت.

با انجام اين پژوهش، بخشي از پيش‏زمينة‏ لازم براي طراحي فهرستهاي رايانه‏اي ايراني با پيروي از الگوي ملزومات كاركردي از يك‌سو و با توجه به نيازهاي كاربران از سوي ديگر، فراهم مي‏آيد. به بيان ديگر، هدف اصلي اين پژوهش، بررسي تطبيقي الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي با فهرستهاي رايانه‏اي كنوني از رويكردي كاربرگراست.

**پرسشهاي پژوهش**

در راستاي رسيدن به هدف پيش‏گفته، پژوهش حاضر به دو پرسش پاسخ مي‌دهد:

1.      نگاه كاربران بالقوه فهرستهاي رايانه‏اي به خانواده‏هاي كتابشناختي چگونه است؟

اين پرسش خود به دو جنبه متفاوت مي‏پردازد:

الف) كاربران، اعضاي خانواده‏هاي كتابشناختي فارسي را چگونه شناسايي و خوشه‏بندي مي‏كنند؟

ب) كاربران در هر يك از خوشه‏ها (گروه‏ها) كدام يك از موجوديتهاي اثر، بيان، قالب و مدرك را زودتر شناسايي مي كنند؟

2.      چنانچه كاربر مدرك يا قالب مورد نياز خود را به دست نياورد، كدام يك از موجوديتهاي اثر ديگر، بياني ديگر و يا قالبي ديگر را انتخاب خواهد كرد؟

**روش پژوهش، بستر، و جامعه آماري**

پژوهش حاضر از نوع كاربردي بوده و با استفاده از روش پيمايشي با استفاده از شيوه مصاحبه، مرتب‏سازي كارتها[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ") و پرسشنامه صورت پذيرفت. با توجه به نوع و نحوه گردآوري اطلاعات و همچنين تحليلهاي صورت گرفته، رويكرد اين پژوهش تركيبي[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ") است و خانواده كتابشناختي شاهنامه به منزله بستر انجام اين پژوهش انتخاب شد. دليل انتخاب اين خانواده، قدمت و اثرگذاري اجتماعي در حوزه ادبيات در متون ايراني بوده است[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o "). با توجه به اينكه پژوهش حاضر از اولين گامها در زمينه هماهنگ‏سازي الگوي ملزومات كاركردي با ديدگاه كاربران فهرستهاي رايانه‏اي در ايران به شمار مي‏آيد، به‏منظور بنيان‏نهادن پايه‏اي علمي، جامعه آماري پژوهش را متخصصان حوزه شاهنامه‏پژوهي تشكيل داد. با توجه به ممكن نبودن تخمين تعداد واقعي متخصصان اين عرصه در ايران، از نمونه‏گيري استفاده شد.

در بسياري از پژوهشهاي كيفي، در ابتداي كار حجم يا اندازه نمونه تعيين نمي‎شود، بلكه اين پژوهشگر است كه طي انجام كار خود و مصاحبه با شركت‏كنندگان در پژوهش، به اين نتيجه مي‏رسد كه آيا تعداد شركت‏كنندگان به حد كفايت بوده است يا خير (فليك، 1382). در پژوهش حاضر، با توجه به رويكرد تركيبي، حجم نمونه 30 نفر[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn7" \o ") از متخصصان شاهنامه‏پژوه در نظر گرفته شد. با توجه به اينكه براي انتخاب 30 نفر متخصص برجسته در اين حوزه، روشهاي معمول در نمونه‏گيري تصادفي كارايي چنداني نخواهد داشت، در اين پژوهش، راهبرد نمونه‏گيري گلوله برفي[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn8" \o ") يا افزايشي براي يافتن اعضاي گروه نمونه انتخاب شد. در اين نوع از نمونه‏گيري، پس از انتخاب افرادي با ويژگيهاي خاص و كسب نظرهاي آنها، از آنها خواسته مي‏شود نام ساير افرادي را كه داراي همان خصوصيات بوده و مورد تأييد هستند، ذكر كنند (سفيري، 1387). با توجه به وجود قطب علمي ادبيات در دانشكده ادبيات و علوم انساني دانشگاه فردوسي مشهد، گروه زبان و ادبيات فارسي اين دانشگاه، به منزلة هسته اوليه براي بررسي و معرفي صاحب‏نظران ديگر انتخاب شد.

**ابزارها و مراحل گردآوري داده‏هاي پژوهش**

به منظور انجام اين پژوهش، يك مجموعه 40 كارتي، حاوي اطلاعات كتابشناختي تدوين گرديد. هريك از كارتها براساس تعريفهاي الگوي ملزومات كاركردي، بازنمون يكي از مصداقهاي موجوديتهاي گروه اول الگو به شمار مي‏آمد (سياهه اين كارتها در پيوست 1 آمده‏اند). بدين منظور، جستجويي در فهرست مركز اسناد و كتابخانه ملي ايران صورت گرفته و از ميان نتايج آن در هرگروه 10 پيشينه‏ به منظور تدوين كارتهاي بازنمون‏كنندة موجوديت اثر، 10 پيشينه براي تدوين كارتهاي بازنمون كنندة موجوديت بيان، 10 پيشينه براي تدوين كارتهاي بازنمون كننده موجوديت قالب و در نهايت 10 پيشينه نيز براي تدوين كارتهاي بازنمون كننده موجوديت مدرك، به صورت نظام‏مند انتخاب شد. همچنين، به منظور بررسي اولويت‎بندي كاربران روي هريك از موجوديتهاي كتابشناختي الگو در پيوند با يك نياز اطلاعاتي خاص (پرسش دوم) پرسشنامه‏اي مكمل طراحي گرديد. اين پرسشنامه، حاوي 2 سؤال بود كه سؤال اول آن به خانواده رديف اول اثر مورد نظر (شاهنامه) يعني اثر اصلي و بيانها، قالبها و مدركهاي مرتبط با آن پرداخته و سؤال دوم آن خانواده رديف دوم اثر مورد نظر يعني يك اثر متفاوت اما وابسته به اثر اصلي با بيانها و قالبها و مدركهاي مربوط به آن را مورد توجه قرار مي‏داد.

به منظور بررسي نحوة نگرش كاربران بالقوه فهرستهاي رايانه‏اي به خانواده‏هاي كتابشناختي، ابتدا از شركت‏كنندگان خواسته شد تا كارتهاي كتابشناختي تدوين شده را آزادانه و با توجه به شناخت خود از هر اثر و آثار وابسته به آن دسته‏بندي و سپس با پاسخ به دو پرسش مطرح در پرسشنامه مكمل، اولويت‏بندي خود روي موجوديتهاي گروه اول الگو را اعلام كنند. در نشست با شركت‏كنندگان در پژوهش، از آنها خواسته شد تا علاوه بر دسته‏بندي كارتهاي كتابشناختي و پاسخ به پرسشنامه، در مصاحبه‏اي نيمه‎ساختاريافته در پيوند با دسته‏بندي و پاسخهاي خود، شركت كنند.

**يافته‏هاي پژوهش**

**پرسش اول: نگاه كاربران بالقوه فهرستهاي رايانه‏اي به خانواده‏هاي كتابشناختي چگونه است؟**

به منظور پاسخگويي به بخش اول اين پرسش و رسيدن به اجماع نهايي درمورد دسته‎بندي افراد مختلف روي يك خانواده كتابشناختي خاص، از روش خوشه‏بندي دو مرحله‏اي[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn9" \o ") در SPSS استفاده شد. سپس، به منظور تعيين مراتب جفت شدن كارتهاي كتابشناختي با يكديگر و شناسايي موجوديتهاي مورد توجه كاربران از روش خوشه‏بندي وارد[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn10" \o ") استفاده گرديد. در هردو اين روشها، انتخاب تعداد خوشه‏ها و يا گروه‏هاي نهايي اهميت ويژه‏اي دارد. «كارلايل» (Carlyle, 2001) براي تعيين اين رقم استفاده از معدل تعداد كل گروه‏هاي تشكيل شده توسط شركت‏كنندگان را پيشنهاد مي‏كند، كه در اين‌جا نيز از همين روش استفاده شد.

30 شاهنامه‏پژوه شركت‏كننده در اين پژوهش، 40 كارت كتابشناختي[[11]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn11" \o ") ارائه شده را به طور كلي در 11 گروه دسته‏بندي كردند، كه هريك از اين گروه‏ها به فراخور، به طوري كه در اكثر مصاحبه‏ها نيز مطرح شد، قابل تقسيم به زيرمجموعه‏هاي خاص خود بود. حاصل كار خوشه‏بندي، در جدول 1 ارائه شده است.

**جدول1. توزيع كارتهاي كتابشناختي در يازده خوشه همراه با مصداق موجوديت براي خانواده كتابشناختي شاهنامه**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | **شماره كارتها** | **مصداق براي موجوديت ...** |
| **خوشه اول** | 1و 2و 3 | اثر، اثر، اثر |
| **خوشه دوم** | 7 و 24 | اثر، قالب |
| **خوشه سوم** | 13 و 19 | بيان، بيان |
| **خوشه چهارم** | 22 و 34 | قالب، مدرك |
| **خوشه پنجم** | 23 و 25و 26 | قالب، قالب، قالب |
| **خوشه ششم** | 15 و 31 و 32 و 33 و 35و 37 | بيان، مدرك، مدرك، مدرك، مدرك، مدرك، مدرك |
| **خوشه هفتم** | 4 و 8 و 10و 29 | اثر، اثر، اثر، قالب |
| **خوشه هشتم** | 14 و 36 و 38 و 39 و 40 | بيان، مدرك، مدرك، مدرك، مدرك |
| **خوشه نهم** | 6 و 21 و 27 و 28 و 30 | اثر، قالب، قالب، قالب، قالب |
| **خوشه دهم** | 9 و 11 و 12 و 16 و 17 و 18 و 20 | اثر، بيان، بيان، بيان، بيان، بيان، بيان |
| **خوشه يازدهم** | 5 | اثر |

**خوشه اول.** همان گونه كه در جدول 1 مشاهده مي‏شود، از ديدگاه شركت‎‏كنندگان در پژوهش شامل آن دسته از آثار وابسته‏اي است كه در واقع منبع مرجع براي استفاده از شاهنامه به‏شمار مي‏آيند؛ مانند كشف‏الابيات دبيرسياقي يا هر كشف‏الابيات ديگري كه كاركرد يك «بيت ياب» را دارد. يكي از مصاحبه‏شوندگان، در پيوند با كشف‏الابيات دبيرسياقي و فرهنگ بسامدي ولف، اين‌ گونه مطرح كرد كه «اين دسته از منابع جزء منابع رابط هستند. منابعي كه مستقيم به شما اطلاعات نمي‏دهند، اما كمك مي‏كنند تا اطلاعات مورد نياز خود را در منابع ديگر جستجو كنيد، كه در اين‌جا شاهنامه است».

در پيوند با بخش دوم پرسش، خوشه اول يكي از خوشه‏هايي است كه داراي همگني دروني كامل است.[[12]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn12" \o ") هر سه كارتي كه در اين خوشه قرار گرفته‏اند، نماينده موجوديت «اثر» بوده و بسياري از مصاحبه‏شوندگان به‏وضوح بر دو عنصر پديدآور (دبيرسياقي و يا ولف) و نيز كار (به معني «اثر») تأكيد داشتند.

**خوشه دوم.** شامل كارتهاي شماره 7 و نيز 24، به نكته حساسي اشاره دارد و آن اين‌كه براي متخصصان و صاحب‏نظران، محتواي اثر اهميتي بيش از قالب ارائه آن دارد. با نگاهي به 30 مصاحبه انجام شده، تنها 3 نفر با قاطعيت بر لزوم جداسازي اين دوكارت از يكديگر به واسطه تفاوت قالب تأكيد كرده‏اند. يكي از مصاحبه‏شوندگان با اشاره به همين نكته، به احتمال گم‏شدگي اطلاعات نيز اشاره كرد: «كسي كه مي‏خواهد يك مقاله راجع به شاهنامه بنويسد، خواه ناخواه به اين سند احتياج پيدا مي‏كند، بدون توجه به قالبش. ]...[ اگر فقط در لوحهاي فشرده بيايد، و فرد فقط در مكتوبات دنبال آن باشد، مسلماً به نتيجه نخواهد رسيد.»

در پيوند با بخش دوم پرسش، كارت شماره 24 در واقع به قالبي متفاوت از كتاب «جامعه‌شناسي خودكامگي» اشاره مي‏كند، در حالي كه كارت شماره 7 با توجه به تعريفهاي الگوي ملزومات كاركردي، يك اثر وابسته به شاهنامه به‏شمار مي‏آيد. با نگاهي به متن مصاحبه‏ها مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه 90% مصاحبه‏شوندگان در اولين نگاه، به تكراري بودن كارت 24 اشاره مي‏كنند. بديهي است، با توجه به تفاوت قالب، توجه مصاحبه‏شوندگان به يكسان بودن محتوا، مي‏تواند ناشي از توجه آنها به موجوديت اثر باشد، زيرا محتوا همواره در پيوند با موجوديت اثر مطرح مي‏شود.

**خوشه سوم.** با نگاهي به كارتهاي شماره 13 و 19 در اين خوشه مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه فارغ از زبان، ترجمه‏هاي مربوط به يك اثر از ديدگاه مصاحبه‏شوندگان هم‏سنگ بوده و مي‏توان آنها را در يك گروه قرار داد.

در پيوند با بخش دوم پرسش، اين خوشه نيز از جمله خوشه‏هاي داراي همگني دروني كامل به‏شمار مي‏آيد. با نگاهي به پاسخهاي مصاحبه‏شوندگان و بررسي اصطلاح‏شناختي واژگان به‏كار برده شده توسط آنها، مي‏توان نتيجه گرفت كه با فراواني استفاده از واژه «ترجمه» (25 مورد) و «برگردان» (2 مورد)، بيش از 90% مصاحبه‏شوندگان، ترجمه‏ها را در گروهي جداگانه قرار دادند، و از آنجا كه ترجمه يكي از مصداقهاي موجوديت «بيان» است، موجوديت «بيان» شناسايي شده است.

**خوشه چهارم.** شامل كارتهاي شماره 22 و 34 دو «اثر» منفرد هستند. كارت شماره 22 به اسطوره‏هاي ايراني و كارت شماره 34 به پند واندرزهاي شاهنامه پرداخته است. دليل جفت شدن اين دو كارت با توجه به متن مصاحبه‏ها، قرار گرفتن هردوي آنها در گروه عام‏تر تحليلها و پژوهشهاي شاهنامه است.

در پيوند با بخش دوم اين پرسش، از نظر تعريفهاي الگوي ملزومات كاركردي، خوشه چهارم خوشه‏اي بدون همگني دروني كامل است. اگرچه كارت شماره 22 مصداقي از يك «قالب» متفاوت است، اما به واسطه اولويت محتوا، نه در كنار قالبهاي متفاوت ديگر بلكه به‏ منزلة يك «اثر» متفاوت شناسايي شده است. با توجه به پاسخهاي مشابه در مورد كارت شماره 34، مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه تشخيص موجوديتهاي سطوح بالاتر (انتزاعي‏تر) الگوي ملزومات كاركردي براي كاربران راحت‏تر بوده و يا حداقل اشاره و توجه به اين دست از موجوديتها، اولويت بيشتري دارد (در اين‌جا موجوديت شناسايي شده «اثر» است).

**خوشه پنجم.** شامل كارتهاي شماره 23، 25 و 26 مي‏باشد. با بررسي دقيق نحوة توزيع اين سه كارت در گروه‏هاي مختلف توسط مصاحبه‏شوندگان، مشخص مي‏شود كه تركيب دو ويژگي بخشي از شاهنامه بودن و نيز صوتي بودن، باعث دسته‌بندي اين سه كارت جدا از ساير برگزيده‏ها و يا آثار صوتي ديگر شود.

در پيوند با بخش دوم پرسش اول، خوشه پنجم با توجه به ستون آخر جدول 1 از همگني دروني كامل برخوردار بوده و به موجوديت قالب اشاره دارد. نكته جالب توجه اين‌جاست كه با نگاهي به مصاحبه‏ها و نيز اصطلاحات به كار رفته توسط افراد مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه حدود نيمي از پاسخ‏دهندگان، كارتهاي اين گروه را با عنوان «برگزيده‏ها» شناسايي كردند (بيش از 50%). بنابراين، مي‌توان نتيجه گرفت كه موجوديت مورد توجه كاربران هنگام دسته‏بندي، موجوديت «بيان» بوده است نه موجوديت «قالب».

**خوشه ششم.** با 6 عضو (كارتهاي 15، 31، 32، 33، 35 و 37) يكي از گروه‏هاي نسبتاً بزرگ حاصل از تقسيم خانواده كتابشناختي شاهنامه به‏شمار مي‏آيد. در تمام موارد، بيش از 25 نفر از 30 نفر پاسخ‏دهنده، كارتهاي اين گروه را جزء «برگزيده‏ها» دانسته‏اند.

در پيوند با بخش «ب» از پرسش اول، پيش از پرداختن به تحليل پاسخها، اشاره به اين نكته ضروري است كه در كارتهاي شماره 31، 32، 33، 35 و 37 دو منطقه (فيلد) شماره رده و نيز محل نگهداري درج شده بود. افزودن اين اطلاعات باعث مي‏شود تا كارتهاي كتابشناختي پيش‏گفته طبق تعريفهاي الگوي ملزومات كاركردي، قابليت بازنمون موجوديت «مدرك» را نيز داشته باشند. بنابراين، با توجه به پاسخها، به نظر مي‏رسد مصاحبه‏شوندگان به موجوديتهاي سطوح بالاتر (در پيوند با اين پرسش منظور «بيان» است) توجه بيشتري نشان داده‏اند.

**خوشه هفتم.** شامل كارتهاي شماره 8، 10، 4 و 29 در واقع نمايندة تمامي اقتباسها، بازنويسي‏ها و بازآفريني‌هاي مرتبط با شاهنامه است. شاهنامه، اثري است منظوم و به تعبير برخي از مصاحبه شوندگان «مطالعه اين اثر منظوم و البته طولاني ممكن است در چارچوب توانمنديهاي يك فرد معمول نباشد». از ديدگاه متخصصان اين حوزه، آنچه از آن با عنوان اقتباس ياد مي‏شود، نه ترجمه به فارسي و نه بازآفريني بلكه بازنويسي خلاق است. اين درحالي است كه در تمام پيشينه‏هاي كتابشناختي، نه تنها تمايزي ميان اين مفاهيم وجود ندارد، بلكه همگي با همان واژه «اقتباسها» بازنمون مي‏شوند كه به عنوان تقسيم ‏فرعي در بخش موضوع مي‏آيد.

در پيوند با بخش دوم اين پرسش، اين خوشه با وجود كارت شماره 29 كه طبق تعريفهاي الگو مصداق «قالب» متفاوت است، جزء گروه‏هاي فاقد همگني دروني كامل به‏شمار مي‏آيد. با توجه به اين‌كه كارت پيش‏گفته با ساير كارتها كه بيانگر آثار متفاوت هستند در يك گروه آمده‏اند، مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه به احتمال در اين‌جا نيز موجوديت مجردتر «اثر» در دسته‏بندي، مورد توجه مصاحبه‏شوندگان قرار گرفته است.

**خوشه هشتم.** شامل كارتهاي 14، 36، 38، 39 و 40 به گروه خلاصه‏ها و گزيده‌هاي شاهنامه اشاره دارد. تقريباً تمام مصاحبه‏شوندگان به صورت مستقيم و غيرمستقيم به وجود تفاوت ماهوي ميان دو نوع خاص از برگزيده‏هاي يك اثر اشاره كردند. در اين‌جا، خوشه هشتم شامل مداركي است كه خلاصه شاهنامه را ارائه مي‎كند و نه گزيده‏اي از آن را.

در پيوند با بخش بعدي پرسش، بايد به اين نكته اشاره كرد كه تمام كارتهاي اين گروه (بجز كارت شماره 14) داراي دو فيلد شماره راهنما و نيز محل نگهداري بوده و به همين دليل جزء مصداقهاي موجوديت «مدرك» بودند. با توجه به اين‌كه در پيوند با اين گروه نيز هيچ‏گونه اشاره‏اي به منطقه‏هاي پيش‏گفته توسط مصاحبه‏شوندگان صورت نگرفته، مي‏توان اين‏گونه برداشت كرد كه در اين خوشه نيز ، اولويت اول و شايد تنها اولويت براي دسته‏بندي با موجوديت «بيان» بوده است.

**خوشه نهم.** شامل كارتهاي 6، 21، 27، 28 و 30 به برداشتهاي غيرمكتوب از شاهنامه در قالبهاي مختلف اشاره دارد. با توجه به اين‌ كه بيش از 20 نفر از 30 مصاحبه‏شوندگان از كارتهاي اين گروه با عنوان «آثار هنري» و يا، در مورد كارت 21، با عنوان «موسيقي» يادكرده‏اند، مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه مصاحبه‏شوندگان در برخورد با اين گروه تا اندازه‏اي عام‏نگر بوده‏‏اند.

در پيوند با بخش دوم اين پرسش، در اين گروه همان گونه كه از نتايج خوشه‏بندي (برونداد SPSS) بر مي‏آيد، در مرحله بيستم اولين جفت كارت اين خوشه شكل مي‏گيرد. خوشه نهم نه تنها از نظر موجوديتهاي مطرح در الگوي ملزومات كاركردي با توجه به پيش‏تعريفهاي پژوهش حاضر، گروهي ناهمگن است، بلكه از نظر تنوع مدارك درون خود نيز چه از نظر نحوة ارائه و چه از نظر محتوا، همگني كمي دارد. عام‏نگري مصاحبه‏شوندگان در دسته‏بندي، به صورت غيرمستقيم مي‏تواند به اين امر اشاره داشته باشد كه در نهايت جلوه‏هاي هنري مدارك مطرح در اين گروه براي دسته‏بندي مد نظر قرار گرفته‏است. با توجه به اين كه در متن الگو برداشتهاي هنري يك «اثر» منتهي به ايجاد «اثري» در «قالب» و با محتوايي متفاوت مي‎شود، مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه در اين خوشه نيز مصاحبه‏شوندگان موجوديت «اثر» را شناسايي كرده‏اند.

**خوشه دهم.** شامل كارتهاي 9، 11، 12، 16، 17، 18، و20 نيز يكي ديگر از گروه‏هاي بزرگ شناسايي شده توسط مصاحبه‏شوندگان است. كارتهاي اين گروه شامل متنها و چاپهاي مختلف شاهنامه است. با نگاهي به مصاحبه‏هاي مختلف و استدلالهاي مصاحبه‏شوندگان، در دسته‏بندي متون شاهنامه، درست همانند آنچه در قسمت برگزيده‏ها مطرح گرديد، متني از شاهنامه مورد توجه مصاحبه‎شوندگان بوده است.

در پيوند با بخش دوم از پرسش اول، با توجه به اصطلاحات به‏كار رفته توسط مصاحبه‏شوندگان، عنوان اين گروه را مي‏توان «متن كامل شاهنامه» گذاشت. برونداد نرم‏افزار SPSS حاكي از شناسايي مصداقهاي هر دو موجوديت بيان و اثر در اين خوشه است، و با توجه به نتايج پيشين، چنانچه اولويت مصاحبه‏شوندگان بر موجوديت انتزاعي‏تر باشد، قاعدتاً بايد موجوديت «اثر» توسط مصاحبه‏شوندگان شناسايي شده باشد. اين درحالي است كه با نگاهي به متن مصاحبه‏ها، به نظر مي‏رسد اين افراد در ذهن خود «اثر» شناخته و به اين موضوع واقفند كه از اثر شاهنامه، چاپها و تصحيح‏هاي مختلفي منتشر شده و چنين رويكردي نشان از شناسايي موجوديت «بيان» دارد.

**خوشه يازدهم.** آخرين خوشه در واقع يك گروه تك عضوي شامل نقشه‏هاي جغرافيايي شاهنامه (كارت شماره 5) است؛ اثري متفاوت كه اگرچه از هر 10 نفر 1 نفر ممكن است آن را در گروه‏هايي همچون پژوهشها، تصاوير و يا منابع مرجع قرار دهد، اما با نگاهي به فراواني توزيع كارت در گروه‏هاي مختلف، مي‏توان به اين نتيجه رسيد كه از هر 3 نفر، 2 نفر اين اثر را در گروهي مجزا به نام «جغرافياي شاهنامه» قرار مي‏دهند.

در پيوند با بخش دوم اين پرسش، گفتني است كه در حين تشكيل خوشه‏ها در خوشه‏بندي سلسله ‏مراتبي، اين كارت تنها كارتي است كه با ساير كارتها در يك گروه قرار نگرفته و با كارتهاي ديگر جفت نشده است و تقريباً تمام مصاحبه‏شوندگان با توجه به محتوا، اين كارت را اثري جداگانه و متفاوت دانسته‏اند.

**پرسش دوم: چنانچه كاربر مدرك يا قالب مورد نياز خود را به دست نياورد، كدام يك از موجوديتهاي اثر ديگر، بياني ديگر و يا قالبي ديگر را انتخاب خواهد كرد؟**

به‏ منظور پاسخ به اين پرسش، پرسشنامه‏اي مكمل تدوين شد كه پس از انجام فرايند دسته‏بندي كارتها و نيز كسب آراي مصاحبه‏شوندگان در پيوند با دسته‏هاي مختلف، در همان نشست توزيع گرديد. در پيوند با سؤالهاي پرسشنامه، به منظور افزايش عمق اطلاعات، با استفاده از مصاحبه نيمه‏ ساختاريافته، دلايل هر يك از مصاحبه‏شوندگان براي نحوة اولويت‏بندي گزينه‏ها بررسي گرديد. در پيوند با خانواده كتابشناختي اصل اثر شاهنامه، بيانها، قالبها و نيز مدركهاي مختلف مرتبط با آن، شاهنامه فردوسي تصحيح جلال خالقي ‏مطلق ـ كه به گفته تمامي مصاحبه‏شوندگان در حال حاضر علمي‏ترين تصحيح شاهنامه فردوسي است ـ به منزلة مدرك مورد اشاره در صورت پرسش درنظر گرفته شد. نتايج آن در جدول 2 قابل مشاهده است.

**جدول 2. توزيع فراواني اولويت‏ موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي (اثر اصلي شاهنامه)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | | **موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي پيشينه هاي كتابشناختي** | | | |
| **اثر** | **بيان** | **قالب** | **مدرك** |
| **اولويت بندي مصاحبه شوندگان بر موجوديتها** | **اولويت اول** | 3  (10%) | 3  (10%) | 10  (3/33%) | 14  (7/46%) |
| **اولويت دوم** | 6  (20%) | 7  (3/23%) | 7  (3/23%) | 10  (3/33%) |
| **اولويت سوم** | 3  (10%) | 16  (4/53%) | 8  (7/26%) | 3  (10%) |
| **اولويت چهارم** | 18  (60%) | 4  (3/13%) | 5  (7/16%) | 3  (10%) |
| **انحراف استاندارد** | 09545/1 | 83666/0 | 11211/1 | 98553/0 |
| **جمع** | 30  (100%) | 30  (100%) | 30  (100%) | 30  (100%) |

با توجه به توزيع فراواني اولويت‏بندي پاسخ‏‏دهندگان روي موجوديتهاي مختلف، همان گونه كه از جدول 2 بر مي‏آيد، از بين 30 نفر پاسخ‏دهنده به پرسش شماره يك، 18 نفر (60%) «اثر» ديگر را در اولويت چهارم قرار داده‏اند. نيز از بين همين 30 نفر، 16 نفر (4/53%) موجوديت «بيان» ديگر را در اولويت سوم، 10 نفر (3/23%) موجوديت «قالب» متفاوت را در اولويت اول و 14 نفر موجوديت «مدرك» ديگر را در اولويت اول قرار داده‏اند. به منظور روشن ساختن وجود تفاوت ميان موجوديتهاي مختلف از ديدگاه پاسخ‏دهندگان و نيز مشخص ساختن اولويت‏بندي كلي آنها در پيوند با چهار موجوديت مورد مطالعه، از آزمون فريدمن استفاده شد (جدول 3).

**جدول3. نتيجه آزمون فريدمن بر اولويت‏بندي موجوديتها از ديدگاه پاسخ‏دهندگان (اثر اصلي شاهنامه)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **رتبه ميانگين** | **N** | **Chi** | **df** | **Asymp. Sig.** |
| اثر | 2/3 | 30 | 520/18 | 3 | 000/0 |
| بيان | 7/2 |
| قالب | 27/2 |
| مدرك | 83/1 |

با توجه به داده‏هاي گردآوري شده، در پيوند با يك نياز اطلاعاتي (يا «مدرك» خاص مورد نياز) «اثر» ديگر با رتبه‏ميانگين 2/3 در آخرين اولويت از ديدگاه پاسخ‏دهندگان؛ «بيان» ديگر با رتبه‏ميانگين 7/2 در اولويت سوم؛ «قالب» با رتبه ميانگين 27/2 در اولويت دوم و «مدرك» با رتبه ميانگين 83/1 در اولويت اول قرار مي‏گيرد. به سخن ديگر، چنانچه فرد در پي نسخه‏اي از شاهنامه فردوسي تصحيح جلال خالقي‏مطلق باشد و اين «مدرك» در كتابخانه دانشكده موقتاً موجود نباشد، به احتمال در درجه اول به دنبال نسخه دوم همان شاهنامه به تصحيح جلال خالقي‏مطلق (يعني «مدرك» ديگر) خواهد رفت؛ حتي اگر اين نسخه در دانشكده ديگري موجود باشد. اما چنانچه نسخه مورد نظر موجود نبود، به قالبي ديگر (در اين‌جا شاهنامه فردوسي تصحيح جلال خالقي‏مطلق در قالب لوح فشرده) مراجعه مي‏كند. در اولويت بعدي، يعني چنانچه امكان دسترسي نه به «مدرك» و نه «قالب» ديگر فراهم نگرديد، در اولويت سوم به دنبال «برگزيده» رستم و سهراب كه البته بازهم به تصحيح جلال خالقي‏مطلق است رفته («بياني» ديگر) و در نهايت اگر امكان دسترسي به اين موجوديت نيز حاصل نشد، به سراغ «اثر» ديگر يعني مجموعه مقاله‌ها درباره رستم و سهراب به قلم خالقي‏ مطلق، خواهد رفت.

پرسش دوم در پرسشنامه مكمل، به خانواده كتابشناختي يك اثر وابسته به شاهنامه مي‏پرداخت. در اين پرسش، «واژه‏نامك» اثر عبدالحسين نوشين، به منزلة اثر وابسته به شاهنامه درنظر گرفته‏شده و يك «مدرك» خاص از اين اثر كه در كتابخانه فرد پاسخ‏دهنده موجود بوده است، در صورت پرسش مورد اشاره قرار گرفت. جدول 4 نتايج حاصل را نشان مي‌دهد.

**جدول4. توزيع فراواني اولويت‏ موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي از ديدگاه پاسخ‏دهندگان در پيوند با اثري وابسته به شاهنامه (واژه‏نامك اثر عبدالحسين نوشين)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **n=30** | | **موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي** | | | |
| **اثر** | **بيان** | **قالب** | **مدرك** |
| **اولويت بندي مصاحبه شوندگان بر موجوديتها** | **اولويت اول** | 2  (7/6%) | 9  (30%) | 7  (3/23%) | 12  (40%) |
| **اولويت دوم** | 1  (3/3%) | 18  (60%) | 8  (7/26%) | 5  (7/16%) |
| **اولويت سوم** | 9  (30%) | 3  (10%) | 10  (3/33%) | 9  (30%) |
| **اولويت چهارم** | 18  (60%) | 0 | 5  (7/16%) | 4  (3/13%) |
| **انحراف استاندارد** | 85836/0 | 61026/0 | 04000/1 | 11675/1 |
| **جمع** | 30  (100%) | 30  (100%) | 30  (100%) | 30  (100%) |

با نگاهي به جدول 4 و توزيع فراواني اولويتهاي اختصاص يافته به هر يك از موجوديتها، اولويت‏بندي پاسخ‏دهندگان روي هر يك از موجوديتها به صورت جداگانه قابل تشخيص است. از 30 نفر پاسخ‏دهنده به پرسش دوم، 18 نفر (60%) «اثر» ديگر را در اولويت چهارم خود قرار داده‏اند. در حالي كه در پيوند با «بيان» ديگر يا گزينه سوم، 18 نفر از مصاحبه‏شوندگان (60%) در پيوند با يك نياز اطلاعاتي خاص (در اين‌جا معناي يك واژه) اين موجوديت را اولويت دوم خود دانسته‏اند. اين درحالي است كه از بين 30 نفر پاسخ‏دهنده، 10 نفر (3/33%) «قالب» متفاوت را به‏ منزلة اولويت سوم خود و 12 نفر از 30 پاسخ دهنده (40%) «مدرك» ديگر را به ‏منزلة اولويت چهارم مدنظر قرار داده‏اند. جدول 6، نتيجة آزمون فريدمن و نيز رتبه‏ميانگين‏هاي مشخص‏كنندة اولويت هريك از موجوديتها با توجه به پاسخهاي شاهنامه‏پژوهان را ارائه مي‏كند.

**جدول5. نتيجة آزمون فريدمن روي اولويت‏بندي موجوديتها از ديدگاه پاسخ‏دهندگان**

**در پيوند با اثري وابسته به شاهنامه (واژه‏نامك، عبدالحسين نوشين)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **رتبه ميانگين** | **N** | **Chi** | **df** | **Asymp. Sig.** |
| اثر | 5/3 | 30 | 707/27 | 3 | 000/0 |
| بيان | 85/1 |
| قالب | 47/2 |
| مدرك | 18/2 |

بانگاهي به نتايج ارائه شده در جدول 5 و در نظر گرفتن نحوة پرسش، مي‌توان نتيجه گرفت چنانچه پاسخ‏دهندگان در پي يافتن معناي واژه‏اي در «واژه‏نامك» اثر عبدالحسين نوشين باشند و نسخه مورد نظر خود را در كتابخانه نيابند، به احتمال در درجه اول «چاپ ديگري» از همان واژه‏نامه (موجود در كتابخانه خود- اشاره به اصل كمترين كوشش) را انتخاب كرده و مورد استفاده قرار مي‏دهند (بياني ديگر چاپ شده توسط انتشارات عطايي). در درجه دوم، سعي مي‌كنند دقيقاً همان نسخه مورد نظر خود را، حتي از كتابخانه‏اي ديگر به دست آورند. در مرحله بعد، چنانچه هيچ‏يك از موارد پيش‏گفته براي فرد قابل دسترس نباشد، پاسخ‏دهنده «قالبي» ديگر از همان «واژه‏نامك» اثر عبدالحسين نوشين را انتخاب مي‌كند و درصورت نبود اين مورد، به عنوان آخرين گزينه به سراغ يك اثر معادل مثلاً «واژه‏نامه» اثر پرويز اتابكي مي‏رود.

**بحث و نتيجه‏گيري**

با نگاهي به پاسخهاي افراد در زمينة نحوه دسته‏بندي كارتها در پيوند با خانواده كتابشناختي مورد بررسي، مي‏توان نتيجه گرفت كه ماهيت هر اثر بر زايش اعضاي خانواده كتابشناختي آن تأثيرگذار است. به عنوان نمونه، در پيوند با اثري مانند شاهنامه، نسخه‏ها و ويرايشهاي متفاوتي يافت مي شود كه در طي سالها نسخه‌برداري اين اثر به وجود آمده است. اين درحالي است كه چنين امري ممكن است در مورد اثري مانند قرآن كه با توجه به اهميت و قداست آن، نسخه‏برداران هميشه سعي كرده‏اند تا متن آن از هرگونه دستبرد در امان مانده و حفظ شود، صادق نباشد. از طرفي، تفاوت نگاه به هر خانواده كتابشناختي در ميان متخصصان يك گروه، خود مي‏تواند جزء عوامل دخيل در تفاوت ميان خانواده‏هاي كتابشناختي مختلف باشد. به واسطه همين تفاوت ميان ديدگاه‏ها و تفاوت ماهوي آثار و محتواي آنهاست كه سلسله مراتب موجوديتها و روابط ميان آنها قابل تعريف است. با وجود تمامي تفاوتهاي پيش‏گفته، در يك مورد ميان گفته‏ها و ديدگاه‌هاي تمام مصاحبه‏شوندگان، شباهت وجود دارد؛ و آن اين است كه كاربران بالقوة فهرستها در مواجهه با يك خانواده كتابشناختي بزرگ، محتواي منابع را بيشتر از نحوه و قالب ارائه، مورد توجه قرار مي‏دهند.

بعد ديگر مورد بررسي در اين پژوهش، نگاه كاربران به اعضاي خانواده كتابشناختي از منظر الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي بود. يكي ديگر از يافته‏هاي مهم در اين زمينه، گرايش به «رويكرد بالا به پايين» در دسته‏بندي اعضاي خانواده‏هاي كتابشناختي است. دليل اين امر آن است كه كاربران بالقوة فهرستها در برخورد با مجموعه‏اي از موجوديتهاي كتابشناختي، به پاره‏اي از ويژگيها، وزن و اهميت بيشتري مي‏دهند. در اين ميان، يافته‏ها نشان مي‏دهد ويژگيهاي موجوديتهاي سطوح بالاتر (انتزاعي‏تر) براي كاربران در دسته‏بندي موجوديتها اولويت بيشتري دارند. همان گونه كه پيشتر نيز بيان شد، از ديدگاه كاربران، محتوا نسبت به ساير ويژگيها اهميت بيشتري دارد. با توجه به اين‌كه محتوا و ميزان تغيير آن، تعيين‏كنندة اصل اثر و يا اثر وابسته بودن يك منبع است، يافته‏هاي ارائه شده در پاسخ به بخش دوم پرسش اول و در اولويت قرار گرفتن موجوديت اثر براي دسته‏بندي، چندان دور از انتظار نيست. جالب اين‌جاست كه در پيوند با يك اثر خاص (در اينجا اصل اثر شاهنامه)، اين بيانهاي مختلف اثر است كه مورد توجه كاربران قرار مي‏گيرد. موجوديت قالب از نظر كاربران در مرتبه بعدي قرار گرفته و به نظر مي‏رسد هنگامي كه كاربران به خانوادة كتابشناختي به صورت يك كليت مي‏نگرند، توجهي به نسخه‏هاي خاص (موجوديت مدرك) ندارند.

از ديگر يافته‏هاي مهم اين پژوهش، اشاره بسياري از مصاحبه‏شوندگان به دانش شخصي براي دسته‏بندي كارتهاي كتابشناختي بود. «فتاحي» (Fattahi, 2010) در نوشتار خود با اشاره به رفتار اطلاع‏يابي كاربران فهرستها و امكان ارتقاي اين رفتار به رفتار دانش‏يابي، به لزوم دانش‏مدار كردن پيشينه‏ها اشاره مي‏كند. استفاده از دانش شخصي توسط كاربران، حاكي از آن است كه فرد با دانش خود به سراغ نظام آمده و به جستجو در آن مي پردازد. با اصلاح ساختار نظام و بويژه ساختار پيشينة كتابشناختي و حركت به سمت طراحي نظامي دانش‏مدار، به احتمال، كار كاربر تسهيل شده و حتي در برخي موارد شرايطي براي اصلاح ساختار دانشي فرد و يا دانش‏افزايي وي، فراهم مي‏آيد. در پيوند با اين امر، يكي از دستاوردهاي پژوهش حاضر پيشنهاد درخت‌واره خانواده كتابشناختي شاهنامه است كه در تصوير 1 بخشي از اين درخت‌واره در قالب يك صفحه از فهرستي نمونه، به نمايش در آمده است. استفاده از چنين ساخت‌واره‏اي، نه تنها طرحي از روابط حاكم بر انواع آثار وابسته يك خانواده كتابشناختي و حجم و بزرگي آن را به كاربر نشان مي دهد، بلكه وي را از موقعيت كنوني خود در ساخت‌واره كتابشناختي نيز آگاه مي سازد.  
  
  
  


در پرسش دوم، به منظور تكميل يافته‏هاي پژوهش در زمينه نگاه كاربران به خانواده‏هاي كتابشناختي، اولويت‏بندي كاربران بالقوه نظام در پيوند با موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي، بررسي شد. عمده يافتة پژوهش در پيوند با اين بخش، تفاوت نگرش كاربران به موجوديتها در پيوند با يك نياز خاص است. به عبارت ديگر، اگر كاربران هنگام دسته‏بندي خانواده كتابشناختي به منزلة يك كليت، از رويكردي «بالا به پايين» پيروي مي‏كنند، در پيوند با يك نياز خاص، برعكس عمل كرده و رويكردي «پايين به بالا» در پيش مي‏گيرند. اين نكته به اين معناست كه چنانچه پرسش ويژه‏اي در پيوند با موضوعي خاص در ذهن فرد باشد و فرد نيز از پيش مدرك خاصي را مد نظر قرار داده باشد، در صورت نبود آن مدرك، در اولويت اول به سراغ مدركي ديگر از همان اثر، با بيان ثابت و قالب يكسان مراجعه خواهد كرد. بنابراين، در صورتي كه مدرك ديگر وجود نداشت، قالب ديگر و بيان ديگر مورد توجه كاربر قرار خواهد گرفت. اين‌جاست كه كاربر به نكات مختلفي توجه مي‏كند. با نگاهي به مصاحبه‏ها مي‏توان دو قاعده كلي در زمينه تصميم‏گيري كاربران به دست آورد: الف) براي اكثر مخاطبان، قالب مرسوم، قالب كتابي و يا مكتوب بوده و قالبهاي ديگر بسته به نياز و يا شخص استفاده‌كننده، در اولويتهاي بعدي قرار مي‏گيرند.

ب) ارزش بيانهاي مختلف براي كاربران متفاوت است. به عنوان نمونه، ترجمه‏هاي متفاوتي كه از يك اثر ارائه مي‏كنند، از نظر كاربران ارزش‏ يكساني ندارند. در عالم واقع، حتي چاپهاي متفاوت از يك اثر هم مي‏تواند ارزشمنديهاي متفاوتي داشته باشند. چاپهاي متفاوت يك اثر در پيوند با تعريفهاي الگوي ملزومات كاركردي نيز از جمله بيانهاي متفاوت در نظر گرفته شده و از نظر اين الگو هم ارز تلقي مي شوند. البته، اين مسئله تا حد زيادي به ماهيت اثر مورد بررسي نيز بستگي دارد. در چنين شرايطي، بديهي است اثر ديگر با توجه به تفاوت كاركردي، در اولويتهاي آخر براي كاربران قرار مي‏گيرد.

در پايان، بايد به اين نكته اشاره كرد كه عرصه پژوهش در زمينه پياده‏سازي الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي در فهرستهاي رايانه‏اي، تنها منحصر به چگونگي دسته‏بندي خانواده‏هاي كتابشناختي بر مبناي دانش كاربران و مطابق با رفتار اطلاع يابي آنها نبوده و به عوامل ديگري از جمله ويژگيهاي هر خانواده كتابشناختي، ويژگيهاي هر اثر مولد و همچنين ميزان تطابق ساختار مارك با الگو نيز بستگي دارد. به همين دليل، انجام پژوهشهايي در زمينة ساير خانواده‌هاي بزرگ كتابشناختي بويژه از بعد دسته‏بندي آنها از ديدگاه كاربران و پي بردن به تفاوتهاي احتمالي، از يك سو مي‌تواند دستاوردهاي سودمندي براي سازماندهي كاربرمدار اطلاعات در فهرستهاي رايانه‏اي در پي داشته باشد. همچنين، بازطراحي نظامهاي رده بندي و يا ساختارهاي ذخيره و بازيابي اطلاعات كتابشناختي مانند مارك در سطح خرد، اهميتي دوچندان پيدا ‏كند.

**منابع**

ـ ارسطوپور، شعله (1387). مديريت مؤثر نقاط دسترسي براي سازماندهي اطلاعات در فهرستهاي رايانه‏اي: بازنگري در مباني نظري و مروري بر الگوهاي مفهومي. فصلنامه كتاب، جلد 19(2): 127ـ 156.

ـ سفيري، خديجه (1387). روشهاي پژوهش كيفي در علوم اجتماعي. تهران: پيام پويا.

ـ فتاحي، رحمت الله (1373). فهرستهاي كامپيوتري و تفاوت آن با برگه دان. فصلنامه كتاب. جلد 5 (1و2): 14 – 36.

ـ ــــــــــــــــــــــــــ (1375). روابط كتابشناختي در فهرست‏نويسي توصيفي. فصلنامه كتاب. دوره 7 (2). ص. 44 – 32.

ـ فليك، يو (1382). درآمدي بر پژوهش‏هاي كيفي در علوم انساني. (عبدالرسول جمشيديان، علي سيادت و رضاعلي نوروزي، مترجمان). قم: سماءقلم.

- Bianchini, C. & Guerrini, M. (2009). From bibliographic models to cataloging rules: remarks on FRBR, ICP, ISBDand RDA and their relationships between them Cataloging and Classification Quarterly,. 47 (2): 105-124.

- Carlyle, A. (1996). Ordering Author and Work Records: An Evaluation of Collocation in Online Catalog Displays. Journal of the American Society for Information Science. Vol. 47(7): 538 – 554.

- Carlyle, A. (1997). Fulfilling the Second Objective in the Online Catalog: Schemes for Organizing Author and Work Records in to Usable Displays. Library Resources & Technical Services. Vol. 41(2): 79 – 100.

- Carlyle, A. (2001). Developing Organized Information Displays for Voluminous Works: a Study of User Clustering Behavior. Journal of American Society for Information and Science and Technology. Vol. 37(5): 677 – 699.

- Fattahi, R. (1996). "Super Records: And Approach Towards the Description of Works Appearing in Various Manifestations". Library Review. Vol. 45(4): 19 – 29.

- Fattahi, R. (1997). "AACR and Catalog Production Technology". In International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25. Accessed 2009-12-28 From [http://www.collectionscanada.ca/ jsc/intlconf1.html](http://www.collectionscanada.ca/%20jsc/intlconf1.html)

- Fattahi, R. (2010). From Information to Knowledge: Super-Works and the Challenges in the Organization and Representation of the Bibliographic Universe. Firenze: Casalini Libri.

- Freeman, M. (1991). Pen, Ink, Keys and Cards: Some Reflections on Library Technology. College and Research Libraries, Vol. 52(4): 328 – 335.

- Hagler, R. (1997a). The Bibliographic Record and Information Technology. Chicago: American Library Association.

- Hagler, R. (1997b). Access Points for Works. In International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25. Available at: <http://www.collectionscanada.ca/jsc/intlconf1.html>

- Lebœuf, P. (2005). Is it Possible to Organise all Information? Library ViewPoint .In A Presentation at Satellite Meeting to the 71st WLIC – Järvenpää, 11 – 12 August 2005: "Bibliotheca Universalia: How to Organise Chaos?" Available online: [www.kaapeli.fi/~fla/frbr05/2005\_Jarvenpaa\_LeBoeufw.pdf](http://www.kaapeli.fi/~fla/frbr05/2005_Jarvenpaa_LeBoeufw.pdf)

- Vellucci, Sh. (1997). "Bibliographic Relationships". In International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25. Accessed 2008-12-28 From http://www.collectionscanada.ca/jsc/intlconf1.html

- Yee, M. (1994). What is a Work? Part 2: The Angelo-American Cataloging Codes. Cataloging & Classification Quarterly. Vol. 19(2): 5 – 22.

- Yee, M. (1995). What is a Work? Part 4: Cataloging Theorists and a Definition Abstract. Cataloging & Classification Quarterly. Vol. 20(2): 3 – 24.

- Yee, M. (1997). What is a Work?. In International Conference on Principles and Future Developments of AACR, Toronto, Canada, October, 23 – 25. Accessed 2008-12-28 From <http://www.collectionscanada.ca/jsc/intlconf1.html>

**پيوست 1. خلاصه اي از اطلاعات 40 كارت كتابشناختي خانواده كتابشناختي شاهنامه**

|  | **عنوان** | **پديدآور** | **پديدآور/ مترجم // مسئوليت دوم در تدوين** | **محل** | **ناشر** | **تاريخ** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **1** | كشف الابيات شاهنامه فردوسي | محمد دبيرسياقي |  |  |  | 1347 - 1350 |
| **2** | Glossar zu Ferdosis Schahname | Wolf, Fritz |  |  |  | 1935 |
| **3** | واژه‌نامه نحوي تركيبي | سيامك طاهري |  |  |  | 1386 |
| **4** | شاهنامه فردوسي (نثر) | علي شاهري |  |  |  | 1379 - 1387 |
| **5** | نقشه جغرافيايي شاهنامه فردوسي [نقشه] | موسسه جغرافيايي و كارتوگرافي سحاب |  |  |  | 1371 - 1386 |
| **6** | نبرد رخش و شير |  |  |  |  |  |
| **7** | جامعه‌شناسي خودكامگي: تحليل جامعه‌شناختي ضحاك ماردوش | علي رضاقلي |  |  |  | 1370 |
| **8** | داستانهاي شاهنامه | محمد نگهبان |  |  |  | 1370 |
| **9** | شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي |  |  |  | قرن 4 |
| **10** | شاهنامه كودكانه | علي كاشفي خوانساري |  |  |  | 1388 |
| **11** | شاهنامه حكيم ابوالقاسم فردوسي: متن كامل چهار كتاب... | ابوالقاسم فردوسي |  | تهران | اميركبير | 1341 |
| **12** | شاهنامه فردوسي: متن انتقادي با مقابله 12 نسخه... | ابوالقاسم فردوسي | پرويز اتابكي | تهران | نشر و پژوهش فرزان روز | 1378 |
| **13** | Ferdosis Konings buch (Schahname) | ابوالقاسم فردوسي | فردريش روكرت | برلين | Reichesdrukerei | 1935 |
| **14** | منتخب شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | محمدعلي فروغي // حبيب يغمايي | مشهد | نيكا | 1384 |
| **15** | داستان رستم و شغاد، پادشاهي بهمن اسفنديار، پادشاهي هماي... | ابوالقاسم فردوسي | محمد دبيرسياقي | تهران | علمي | 1371 |
| **16** | شاهنامه از دستنويس موزه فلورانس ... | عزيزالله جويني |  | تهران | دانشگاه تهران |  |
| **17** | شاهنامه فردوسي بر اساس شاهنامه مصحح انيستيتو خاور شناسي... | ابوالقاسم فردوسي | محمدعلي اسلامي ندوشن | تهران | فرهنگسراي فردوسي | 1371 |
| **18** | شاهنامه [چاپ سنگي] | ابوالقاسم فردوسي |  | تهران | مطعبه سيد مرتضي |  |
| **19** | le livre de rois | ابوالقاسم فردوسي | ژول مول | پاريس | Maisoneuve | 1976 |
| **20** | شاهنامه [نسخه خطي] | ابوالقاسم فردوسي |  |  |  |  |
| **21** | آواز اساطير [نوار موسيقي ] شاهنامه كردي | ابوالقاسم فردوسي | شهرام ناظري |  |  |  |
| **22** | اسطوره‌هاي ايراني [كتاب گويا] | وستا كرتيس | عباس مخبر | تهران | حسينه ارشاد | 1374 |
| **23** | حماسه رستم و سهراب [كتاب گويا] | ابوالقاسم فردوسي | منصور رستگارفسايي | تهران | مؤسسه آموزشي امام خميني |  |
| **24** | جامعه‌شناسي خودكامگي: تحليل جامعه‌شناختي ضحاك ماردوش [كتاب گويا] | علي رضاقلي |  | تهران | مجتمع خدمات بهزيستي نابينايان رودكي | 1377 |
| **25** | داستان رستم و سهراب [كتاب گويا] برخواني شاهنامه | ابوالقاسم فردوسي |  | تهران | آواي باربد | 1381 |
| **26** | داستان داستان‌ها [كتاب گويا] | محمدعلي اسلامي ندوشن |  | تهران | مؤسسه نهاد مطالعات علمي و پژوهشي | 1379 |
| **27** | تئاتر آب فروش [عكس از نمايش] | رفيع حالتي |  | تهران |  | 1332 |
| **28** | رستم و اسفنديار [ويئو] | عليرضا كاويان راد |  | تهران | كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان | 1385 |
| **29** | ز گفتار دهقان... شاهنامه فردوسي به نثر و نظم [كتاب گويا] | اقبال يغمايي |  | تهران | شوراي كتاب كودك | 1377 |
| **30** | كنگره جهاني بزرگداشت فردوسي [تمبر] |  |  | تهران | شركت پست جمهوري اسلامي ايران | 1369 |
| **31** | داستان رستم و سهراب از شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | مجتبي مينوي | تهران | بنياد شاهنامه فردوسي | 1352 |
| **32** | داستان سياوش از شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | مجتبي مينوي | تهران | موسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي | 1363 |
| **33** | خسرو و شيرين از شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | بيژن ترقي | تهران | پيراسته | 1369 |
| **34** | پند و اندرزهاي حكيم ابوالقاسم فردوسي در شاهنامه | ابوالقاسم فردوسي | محمد شهرياري | تهران | آتليه هنر | 1369 |
| **35** | داستان بيژن و منيژه از شاهنامه حكيم ابوالقاسم فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | منوچهر آدميت | تهران | آتليه هنر | 1369 |
| **36** | خلاصه شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | محمد علي فروغي | تهران | وزات معارف | 1313 |
| **37** | بيژن و منيژه داستاني برگرفته از شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | مصطفي موسوي | تهران | سروش | 1375 |
| **38** | بهين نامه باستان: خلاصه شاهنامه | ابوالقاسم فردوسي | محمدجعفر ياحقي | مشهد | آستان قدس رضوي | 1369 |
| **39** | برگزيده و شرح شاهنامه | ابوالقاسم فردوسي | پرويز اتابكي// بهاءالدين خرمشاهي | تهران | نشر و پژوهش فرزان روز | 1375 |
| **40** | برگزيده شاهنامه فردوسي | ابوالقاسم فردوسي | احمد رجايي // كتايون مزداپور | تهران | مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي | 1379 |

1. Finding.

2. Collocating.

3. Work, Expression, Manifestation, Item.

1. Card sorting method.

2. Mixed Method.

 رويكردي جديد كه طي آن هم از روشهاي پژوهشي كمي ـ مانند توزيع پرسشنامه و هم از روشهاي پژوهش كيفي ـ مانند مصاحبه‌هاي نيمه‏ساختاريافته استفاده مي‏شود.

1. لازم به توضيح است، در پژوهش اصلي، علاوه بر خانواده كتابشناختي شاهنامه، خانواده كتابشناختي قرآن نيز بررسي شده است كه به منظور جلوگيري از طولاني شدن متن، در اين نوشتار، تنها نتايج مربوط به بررسي خانواده كتابشناختي شاهنامه، آمده است.

2. با نگاهي به متون موجود مي توان به اين نتيجه رسيد كه قاعده 30 نفر حجم نمونه به منزله كمينه حجم نمونه براي انجام پژوهشهاي مختلف، به صورت يك قرارداد عام در آمده است.

3.  Snowball Sampling.

1. Two-step Clustering.

2. Ward Clustering Method.

3. اين كارتها به 4 گروه «اثر» (كارتهاي شماره 1ـ10)، «بيان» (كارتهاي شماره 11ـ20)، «قالب» (كارتهاي شماره 21ـ30)، و «مدرك» (كارتهاي شماره 31ـ40) تقسيم مي‏شدند. سياهة كارتها در پيوست 1 مقاله ارائه شده است.

1. خوشه هاي داراي همگني دروني، آن دسته از خوشه‌هايي هستند كه تمام كارتهاي آن خوشه تنها مصداقي از يكي از موجوديتهاي الگوي ملزومات كاركردي پيشينه‏هاي كتابشناختي باشد.